

مدیریت بدهیهای عمومی

فلا محبین خورشیدی

بدهی عمومی

منظور از بدهی عمومی، قرض گرفتن يك دولت از داخل يك کشور و یا خارج از آن از افراد خصوصی، و یا سازمانهای فردی و موسسات بانکی و غیر بانکی است.

طبقه بندی بدهیهای عمومی

بدهیهای عمومی می تواند بصورت زیر طبقه بندی گردد:

۱- داخلی و خارجی - بدهی داخلی در واقع از درون يك کشور نشات می گیرد و بدهی خارجی در ارتباط با بیگانگان و یا سازمانها و دول خارجی است (از آنها قرض گرفته می شود).

۲- بارور و غیر بارور - بدهی بارور کسب وامهایی است که می تواند يك رشته درآمدهای مدکافی را در جهت پرداخت اصل و بهره وام ایجاد کند. بعبارت دیگر اینگونه دیون زاینده هستند و در امور مورد استفاده قرار می گیرند که از طرق مختلف می تواند اصل و بهره وام را پرداخت کند. ولی مثلاً وامهایی که برای جنگ اخذ می گردد هیچگونه دارائی و درآمدهای ایجاد

نمی کند. در واقع اینگونه وامها مرده، نازا و غیر بارور هستند.

۳- کوتاه مدت و بلند مدت - وامهای کوتاه مدت بعد از دوره کوتاه زمانی باید پرداخت گردند. بعنوان مثال اسناد خزانه بعد از سه ماه باید از طریق بانک مرکزی با ابزار مشخصی پرداخت گردد. اینگونه وامها در واقع پلی بر روی شکاف موقتی بین درآمدهای جاری و هزینه های جاری هستند. این نوع بدهیها، بدهی سیال و شناور نامیده می شوند. متقابلاً وامهای بلند مدت بعد از مدت زمانی طولانی و پس از چندین سال می بایست باز پرداخت شوند و به آنها قروض و بدهیهای سرمایه ای گویند.

رشد بدهی های خارجی

قرض گرفتن از طریق و با استفاده از اختیارات عمومی امری جدید است. در گذشته زمانی که يك حادثه مثل جنگ رخ می داد پادشاه کشور یا از ثروت های ذخیره شده برای این امر استفاده می جست، و یا از طریق اعتبار شخصی خود اقدام به قرض گرفتن می کرد. در کتابهای تاریخی اشاره هایی به گنجهای افسانه ای و ذخایر ثروت غارت شده از دارائیهای پادشاهان یا از معابد و کلیساها به چشم می خورد. اما این روش مالیات برای اوضاع جدید مناسب نمی باشد، و در واقع نامناسب و غیر اقتصادی است. نظام اعتبارات ملی که قرض گرفتن را برای کشورهای گوناگون آسان نمود در حقیقت موجب افزایش شگرف بدهکاریهای ایالات و کشورهای مختلف گردیده است. قرض عمومی ۲۷ کشور در سال ۱۹۰۰، ۶۰۷۹۰۰۰۰۰۰ لیره استرلینگ بود. در سال ۱۹۳۳ این رقم به ۲۲۰۰۰۰۰۰۰۰ لیره استرلینگ افزایش یافت. تقریباً عامل اصلی و روح این افزایش را در جنگ باید جستجو کرد. هزینه خالص جنگ اول (۱۹۱۸ - ۱۹۱۴) در حدود ۴۲ میلیارد لیره استرلینگ برآورد شده بود و جنگ دوم (۱۹۴۵ - ۱۹۳۹) به مراتب بیش از این مبلغ را بلعیده است.

علل افزایش بدهی عمومی

چند علت عمده وجود دارد که موجب افزایش بدهیهای ملی می شود:

۱- مهمترین علت افزایش بدهی عمومی جنگ
بیامادگی جنگی می باشد. ملتها به حفظ تمامیت
ارضی خود اهمیت بسیار می دهند و از هیچگونه فداکاری
در جهت دفاع از کشور خود دریغ نمی ورزند بنابراین
هر جنگی موجب می شود که کشورها تحت فشار بدهی
بیشتری قرار گیرند.

۲- علت دوم وجود کسربودجه در حساب جاری است.
این کسریها و کمبودها نشات گرفته از لزوم ابقاء کامل
فعالیتها و اقتصادی در سطح جامعه ای است که احساس
می شود از توسعه باز خواهد ایستاد.

۳- عامل سوم افزایش دیون عمومی تقبلی دولتها
در جهت ایجاد و پیاده کردن طرحهای رفاهی در جوامع
کنونی می باشد.

۴- در نظام مطلوبیت ملی که سودآوری مناسبات
مناسبی ندارد هیچ نوع کنترل قاطعی بر روی هزینه های
افزایش یابنده که موجب ایجاد ضررهای بیش از منافع
می گردد وجود ندارد و این هزینه ها مرتباً " بار دیون
عمومی را اضافه می نمایند.

۵- در سالهای اخیر ضرورت رشد اقتصادی موجب
شده که کشورهای توسعه نیافته دیونی را هم بصورت
داخلی و هم خارجی برای خود ایجاد کنند و در نتیجه حجم
بدهیهای عمومی آنها افزایش یابد و متورم شود.

اهداف بدهی عمومی

موارد زیر اهداف اصلی پدید آمدن وامهای عمومی
هستند:

۱- ایجاد پل بین درآمدها و هزینهها
این مساله اغلب اتفاق می افتد که در اواخر سال
مالی دولت مواجه با کسربودجه می شود. به منظور
پوشاندن شکاف بین درآمدها و هزینهها، دولت به اخذ
وامهای موقتی دست می زند و یا از طرق گوناگون از بانک
مرکزی کمک می گیرد تا این شکاف را پر کند. مثلاً "در هند
دولت اسناد خزانه منتشر می کند که بعد از سه ماه باید
بازپرداخت گردد.

۲- برنامه امور مالی عمومی
در زمان رکود دولت می بایستی برای ایجاد
اشتغال، برنامه کارهای عمومی را تنظیم نماید در چنین
حالتی در واقع پول در جهت برچیدن رکود به پیکره
اقتصاد جامعه تزریق می شود به همین علت فراهم

آوردن وامهای عمومی به منظور اطمینان بخشیدن به
ثبات اقتصادی ضروری می شود.

۳- فرونشاندن تورم

زمانی که تورم در جامعه پدید می آید پایین آوردن
قیمتها مورد نظر می باشد در چنین راستایی دولت اوراق
وامهای عمومی را منتشر خواهد کرد. بدین ترتیب پول
یا قدرت خرید در سطح ملی کاهش می یابد و کاهش عرضه
پول موجب پایین آمدن قیمتها خواهد شد.

۴- توسعه اقتصادی امور مالی

امروزه کشورهای توسعه نیافته بسیار علاقه مند
به توسعه سریع اقتصادی هستند و این امر بستگی به حجم
زیاد سرمایه گذاری دارد. آنها قادر نیستند که از طریق
مالیات نیازهای مالی خود را در حد کافی و مناسب تامین
نمایند، بنابراین توسل به قرض عمومی ضروری است.

۵- مالیه بخش عمومی

در یک نظام اقتصادی آنچه که بطور متزایم
مشهود و مردم پسند می شود وضعیت عمومی اقتصاد
است. به دلایل مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی
بخش عمومی به سرعت باید گسترش یابد. اداره امور
مالی (مالیه) این بخش نیز بدون توسل به قرض عمومی
امکان پذیر نیست.

۶- مالیه جنگ

امروزه یک جنگ هزینه بسیار زیادی را به خود
اختصاص می دهد. تامین مالی جنگ صرفاً " توسط
گرفتن مالیات و تعقیب جنگ فقط با اتکاء بر مالیات
ساده اندیشی است. در واقع در این مورد نیز قرضه عمومی
نقش اساسی به عهده دارد. به این ترتیب بدهی
عمومی، به عنوان ابزاری برای پر کردن شکاف بین
درآمدها و هزینهها، تامین برنامه ملی توسعه اقتصادی
و تامین مالی جنگ ضرورت دارد.

روشهای پرداخت بدهی

رعایت صداقت و درستی در پرداخت بدهیها
عامل بقاء دولتها و جدید می باشد. بازپرداخت بدهی،
اعتبار ملی را ابقاء و تقویت می نماید. و احیاناً " اگر
حادثه ای در سطح ملی رخ دهد دولتها خوش سابقه
به راحتی می توانند نیاز مالی خود را تامین نمایند.
بازپرداخت وامها همچنین سرمایه ها را برای تجارت
و صنعت آزاد می کند و روشهای بازپرداخت ذیل از جمله

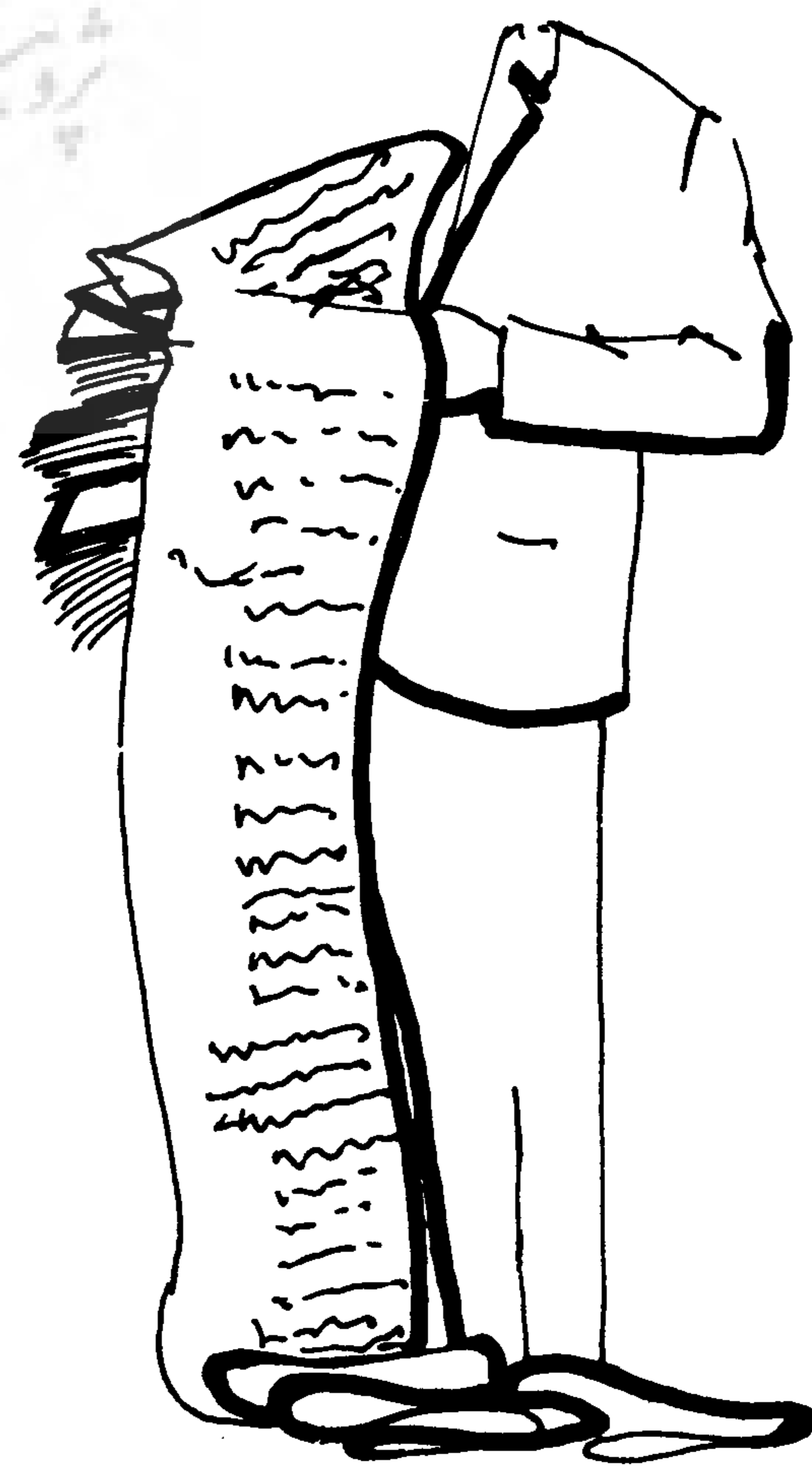
روشهای پذیرفته شده در این مورد می باشد :

۱- استفاده از مازاد در آمد : يك روش قدیمی است و چندان مناسبتی با اوضاع امروزی ندارد . مازاد بودجه يك پدیده عمومی نیست . حتی زمانی که مازادی وجود داشته باشد در واقع گواه بر این امر است که در جهت کاهش بدهی عمومی نمی تواند مورد استفاده قرار گیرد .

۲- خرید اوراق قرضه دولتی : دولت می تواند سهام اوراق قرضه خود را از بازار بخرد . به این ترتیب ، دیون دولت تقلیل خواهد یافت و اگر اوضاع مناسب تشخیص داده شود این کار می تواند از طریق بکارگیری درآمدهای مازاد یا بوسیله قرض گرفتن وامهایی با نرخ بهره پایین ممکن گردد .

۳- سال پرداختهای قابل فسخ : وقتی که بدهی ثابتی را بخواهیم کاملاً " پرداخت نمائیم می توانیم به بستانکاران مبلغ ثابتی را طی چندین سال پرداخت کنیم . این پرداختهای سالیانه ، سالپرداخت نامیده می شود . واضح است که در طی چندین دوره زمانی که سالپرداختها تادیه می شوند به دولت فشار مالی بیشتری نسبت به زمانی که تنها می بایست بهره پرداخت شود وارد می شود .

۴- تسعیر (تبدیل) : روشی جهت کاهش بار بدهی است . يك دولت ممکن است زمانی که نرخ بهره



با لا بوده قرض گرفته باشد . حال اگر نرخ بهره پایینی آمده باشد دولت مذکور می تواند وام نرخ بهره بالا را به وام دیگری با بهره پایین تبدیل نماید . دولت بستانکاران را متوجه این امر می کند ، که یا آنها باید با کاهش نرخ بهره برای پرداخت در آینده موافقت کنند و یا تنها با پرداخت وام را بپذیرند . چنین حالتی سهامداران (صاحبان اوراق قرضه) نرخ پایین تر را نمی پذیرند . سپس دولت يك وام جدید را با نرخ پایین تر بهره با عایدات مبلغ بدهی قبلی ایجاد می نماید . اثر این کار تبدیل وام با نرخ بهره بالا به وام با نرخ بهره پایین خواهد بود که به این ترتیب بار مالی کاسته خواهد شد .

۵- وجوه استهلاکی : این روش مهمترین روش است وجه استهلاکی در واقع وجهی می باشد که برای بازپرداخت هر وام از راه پرداخت يك مبلغ معین از درآمد جاری در نظر گرفته می شود . مبلغی که کنار گذاشته می شود می تواند طی بیش از يك دوره جمع آوری شده باشد . کل مبلغ جمع شده همراه با بهره مربوطه آن می تواند بگونه ای سازمان داده شود که برای بازپرداخت وام کافی باشد .

برخی پیشنهادهای انقلابی و دگرگون کننده

بجز روشهای بازپرداخت دیون که بطور معمول توسط دولت های کنونی پذیرفته شده است تعدادی پیشنهاد های انقلابی و غیر سنتی نیز جهت پرداخت یا کاهش بدهی متداول است : مثل انکار بدهی ، تغییر اجباری مقیاس و میزان سرمایه و یا بهره سرمایه های ملی که در اختیار دولت می باشد . ظاهراً " این روشها غیر اخلاقی و نادرستند و در ارتباط با این موارد دولت ها هیچ مسئولیتی را نمی پذیرند . ولی این حکم اخلاقی نیازمند تفسیر و تفصیل است .

بار بدهی عمومی

برای تشخیص بار بدهی عمومی ما ماهیت و هدف بدهی عمومی را در نظر می گیریم . اگر بدهی به منظور اهداف تولیدی و بارور در نظر گرفته شده باشد (مثلاً " برای توسعه آبیاری و خطوط راه آهن) هیچگونه بار بدهی نخواهد داشت . بعبارت دیگر این نوع وام حتی

می‌تواند ایجاد سود هم بکند (اگر ایجاد چنین طرح‌هایی با موفقیت انجام پذیرفته باشد) اما اگر بدهی در ارتباط با امور غیر بارور باشد هم باری پولی و هم بار واقعی را به جامعه تحمیل خواهد کرد. میزان این بار مالی بستگی به داخلی یا خارجی بودن بدهی دارد.

بار بدهی داخلی

بدهی داخلی بستگی به جریان انتقالات ثروت در داخل يك جامعه دارد. برای مثال وقتی که وامی گرفته می‌شود پول از وام‌دهندگان به دولت منتقل می‌شود. سپس دولت نیز آن‌ها را به مقاطعه کاران، کارمندان و مستخدمین دولت و سایر مردم از طریق خرید کالاها و خدمات منتقل می‌کند و به این ترتیب پول از بخش‌های مختلف جامعه به دیگر بخش‌ها انتقال می‌یابد. در چنین حالتی واضح است که بطور کلی، باری پولی بدهی بصورت مستقیم در جامعه وجود ندارد. اما يك بار واقعی مستقیم (مثل فدانمودن و لطمه زدن به رفاه اقتصادی) در ارتباط با ماهیت نقل و انتقالات ثروت ایجاد خواهد شد. اگر از طریق این نقل و انتقالات، ثروت بین تعداد افراد بیشتری توزیع گردد مثلاً "ثروت از غنی به فقیر منتقل گردد در چنین حالتی بدهی عمومی بعنوان يك عامل سودمند و نه يك بار و فشار مالی تلقی خواهد شد. اما اگر بدهی عمومی موجب گسترش درآمد و ثروت‌مندان و افزایش هزینه فقیران شود عامل تحمیل يك بار واقعی خواهد بود. حال اجازه دهید که ماهیت این نقل و انتقالات را بطور دقیق بررسی نمایم. به‌منصوب بازپرداخت اصل و بهره بدهی، دولت‌ها باید مالیات وضع نمایند. آنچه که مالیات دهندگان می‌پردازند صاحبان اوراق قرضه دریافت می‌دارند. صاحبان اوراق قرضه معمولاً "جزو مردمان ثروت‌مند هستند و بار مالی مالیات هیچ‌گاه منحصرًا "بر روی مردم غنی نمی‌افتد مگر آنکه مالیات‌های ماخوذه به نحو دقیق و موثر و برنده‌ای از طبقه غنی گرفته شود که این حالت بندرت اتفاق می‌افتد. البته در مورد مالیات‌های غیر مستقیم بار مالیات هم بر دوش فقیر و هم غنی می‌افتد. در چنین حالتی بار فشار مالی بر روی رفاه اقتصادی است. این بار مالی از جنبه اینکه ثروت از جوان به پیر (صاحبان سهام و اوراق قرضه و بستانکاران دولت معمولاً در

سین با لاهستند) و از اعضای فعال جامعه به اعضای غیر فعال (که سابقاً "فعال بودند) منتقل می‌گردد قابل تاکید است و می‌توان به آن اهمیت داد. در این رابطه دکتر والتون می‌گوید: "اگر در هر جامعه صدای انصاف و عدالت بلند و صریح بگوش برسد در قلمرو مالی، عمومی این اتفاق نمی‌افتد نیز يك پیش فرض عمومی در زمینه تولید (علاوه بر زمینه‌های توزیع) بر ضد غنی شدن طبقه غیر فعال به هزینه افراد فعال هست که خطراتی را هم در تولید و هم در توزیع و در ارتباط با کار برای سود ثروت انباشته شده به همراه دارد. به این ترتیب بدهی داخلی انعکاس و برگشتی زیان آور هم در توزیع یا خود دارد و يك بار واقعی مستقیم است. بار واقعی غیر مستقیم بدهی در ارتباط با اثرات تحمیلی آن در ارتباط با جلوگیری از تولید می‌باشد. اگر میل و توانائی در جهت کار کردن و پس انداز کاهش یابد، طبعاً "جلو تولید گرفته می‌شود. اگر بازپرداخت بدهی موجب پرداخت مالیات‌های خیلی سنگین بشود باعث کاهش توانائی و خواست و میل افراد در ارتباط با کار و فعالیت و پس انداز خواهد گردید.

بار بدهی خارجه

بدهی خارجی عبارت از جابجائی‌هایی در ثروت است امانه مثل بدهی داخلی در داخل همان کشور بلکه تفاوت‌هایی با بدهی داخلی دارد. زمانی که وامی گرفته می‌شود ثروتی از کشور وام‌دهنده به کشور وام‌گیرنده منتقل می‌گردد و وقتی که وام بازپرداخت می‌شود این جابجایی در جهت عکس می‌باشد. حساب پولی که توسط کشور بدهکار با اصل و بهره آن پرداخت می‌شود برای آن جامعه در واقع يك باری پولی مستقیم است ولی اگر ما بخواهیم اطلاع کاملتری در ارتباط با بار واقعی مستقیم داشته باشیم (مثل ضرر زدن به رفاه اقتصادی) می‌باید نسبت‌های توزیع پرداختها بین فقیر و غنی را در نظر بگیریم. دولت پول مورد نیاز خود را از طریق مالیات بدست می‌آورد اگر مالیات بیشتر از ثروت‌مندان گرفته شود بار واقعی مستقیم آن کمتر از زمانی خواهد شد که این پول از فقرا اخذ گردد. مبلغی که ما از این بابت به بستانکار بیگانه و خارجی می‌پردازیم به او امکان کنترل داشتن بر روی کالاها و خدمات ما را می‌دهد. او طبعاً "پول ما را دور نمی‌اندازد

به آنها در صنایع صادراتی نیاز باشد آنها باید از دیگر صنایعی که می‌باید کاهش یا بند خارج گردند. بیه این ترتیب، این روند موجود اختلاف منابع و امکانات می‌گردد و هیچ‌گونه مازاد خالصی در تولید و اشتغال نخواهد داشت.

نقش قرضه عمومی در يك اقتصاد در حال توسعه

يك اقتصاد در حال توسعه بمقدار کافی تقاضا برای تکمیل طرحهای اقتصادی از راه تجهیز منابع مالی دارد. در مجموع می‌باید مازاد درآمد در کنار بکارگیری کمک خارجی با انتخاب يك سطح مالیاتی و توسل به قرضه عمومی مورد استفاده قرار گیرد. مالیات و قرضه عمومی دو وسیله اصلی و اساسی در جهت تجهیز منابع می‌باشند. اما قرضه عمومی يک نوع رجحان بر مالیات دارد. مالیات با توجه به حد خاصی که دارد بر روی فعالیتهای اقتصادی اثر بد و معکوس دارد و لسی قرضه عمومی چنین خطری ندارد. در واقع قرض عمومی بر روی فعالیتهای اقتصادی برگشت و انعکاس نامطلوب و اثر نا امیدکننده ندارد، (هم بعلت ماهیت داوطلبانه و اختیاری آن و هم بخاطر انتظار برگشت و بازپرداخت). علاوه بر این عقیده مالیات حداقل، هزینه‌های جاری را در حد خدمات معمولی و عادی دولت می‌پوشاند. برای هزینه‌های مالی دولت می‌بایست به قرض گرفتن متوسل شود که نتایج آن ایجاد درآمدها و داراییهای سرمایه‌ای است، در چنین حالتی رشد بدهی عمومی بعنوان يك بار اقتصادی نخواهد بود زیرا يك چنین بدهی زاینده بوده خودش در آینده می‌تواند اصل و فرع و ام را بپردازد. اما يك نوع محدودیت در ارتباط با قرضه عمومی است و آن ایمنی در نظر گرفته شده است. مالیات اضافی در جهت ایجاد طرحهای توسعه نیی ضروری می‌باشد. نظریه متقدم (کلاسیک) قرضه عمومی را مذمت می‌کرد، زیرا چنین تصور می‌شد که بکارگیری منابع توسط دولت کمتر از بکارگیری در بخش خصوصی بارور خواهد بود. اما دلیل متقدمین (کلاسیکها) بر اساس فرضیه‌های اشتغال کامل و کشش ناپذیری عرضه پول و هزینه‌های غیر تولیدی و بارور قرار داشت.

ما می‌دانیم که این فرضیه‌ها امروزه دیگر قابل قبول نیستند. قرض عمومی برای تامین مالی سرمایه - گذاریهای تولیدی در اقتصاد، يك ظرفیت اضافی تولید



چون در واقع این یکنوع عدم استفاده از آن است بلکه او با آن پول کالاهایی را از کشور ما می‌خرد در حالی که مابدهی نداشته باشیم و مجبور نباشیم آن را پرداخت کنیم اینگونه کالاهای ما می‌توانند توسط خود ما مورد استفاده قرار گیرند، این امر بیان کننده یکنوع کاهش رفاه اقتصادی و بنابراین يك بار مستقیم واقعی است. بار غیر مستقیم بدهی خارجی در ارتباط با جلوگیری و بازداشتن تولید ثروت در اقتصاد می‌باشد. مالیاتهای تحمیلی که جهت فراهم آوردن سرمایه برای بازپرداخت وام اخذ می‌شود موجب کاهش تمایل توانایی مردم در ارتباط با کار و پس انداز می‌گردد. پرداخت قرض گرفته شده توسط دولت موجب کاهش هزینه‌های عمومی در راستای تولید می‌شود و بنابراین از تولید جلوگیری می‌نماید. پرداختهای بین‌المللی می‌تواند تنها از طریق صدور کالاهای انجام پذیرد، به همین سبب يك کشور باید تولید بیشتر نماید. بنابراین گفته می‌شود که تولید تحریک شده و انگیزه مربوط به آن ایجاد شده است، ولی تنها تولید در مسیرهای خاص و اصلی تحریک شده است و هیچ‌گونه افزایش کلی در تولید و اشتغال ایجاد نخواهد نمود. عوامل تولید محدود هستند و اگر

ایجاد می‌نماید که بصورت دیگر ایجاد آن ممکن نیست .
این امر قبلاً " بعنوان وسیله‌ای جهت تجهیز منابع
در یک اقتصاد توسعه نیافته توصیه می‌شد که موجب شد
تا منابع در جهت ذخیره کردن و یا سرمایه‌گذاری در
دارائیهای واقعی یا جواهرات بکار گرفته شوند .
به این ترتیب بدهی عمومی جریان منابع را به
سمنها و جهات سالم و درست منحرف می‌کند و
بر می‌گرداند . در یک اقتصاد توسعه نیافته اگر بدهی
عمومی بنحوی محتاطانه و مدبرانه ترتیب داده شود
و ماهرانه عمل گردد می‌تواند یک وسیله قدرتمند جهت
توسعه اقتصادی گردد . علاوه بر این، رشد بدهی عمومی
فرصتهایی را برای بکارگیری ثروت در جهت دارائیهای
موجود در آمد که دارای ثبات و ایمنی هستند مثل
اوراق قرضه دولتی ایجاد خواهد نمود . رشد و ترکیب
بدهی عمومی اختیاراتی پولی همراه با دارائیهایی
فراهم می‌آورد که می‌توانند در جهت اثربخشیدن به
سیاست پولی مطلوب در نظر گرفته شوند و در توسعه
اقتصادی موثر واقع گردند . به این ترتیب، سیاست پولی
که اساساً " جهت دستیابی به اهداف سیاست اقتصادی
در نظر گرفته شده است بطور پایه‌ای در ارتباط با مدیریت
بدهی عمومی می‌باشد . مدیریت بدهی عمومی بعنوان
یک روش که بر ساختار نرخهای بهره موثر است بکار
گرفته می‌شود . به این ترتیب یک بدهی عمومی روبه رشد
در یک اقتصاد توسعه نیافته ابزاری قدرتمند جهت
توسعه سیاست پولی می‌شود .

دوره اصلی وجود دارد که دولتها در اقتصادهای
توسعه نیافته می‌توانند با استفاده از وامهای عمومی
به ایجاد منابع بپردازند :

الف - قرضه بازاری مثل فروش اوراق قرضه دولتی
(وامهای بلندمدت) و اسناد خزانه (وامهای کوتاه مدت)
در بازار سرمایه .

ب - قرضه غیربازاری مثل انتشار اوراق بدهی
عمومی که قابل انتقال و خرید و فروش در بازار سرمایه
نمی‌باشد . انتشار کواهینامه‌های پس انداز ملی و
اعتبارات طرحهای ملی و پذیرفتن سپرده‌ها در دفاتر
پست دولت از این نوع هستند .

وامهای اجباری و یا اختیاری

بسیاری از انواع وامهای عمومی بصورت اختیاری

هستند . اما اگر وامهای اختیاری به حد کفایت نرسند
آنگاه وامهای اجباری ضرورت یافته باید بدانها
توسل جست . نمونه بارز از وامهای اجباری شناخته
شده . طرح سپرده اجباری است . قرضه اجباری ترکیبی
از مفاهیم مالیات و قرض گرفتن می‌باشد از طرفی مثل
مالیات پرداخت اجباری به دولت است و از طرف دیگر
مثل وام، بازپرداخت آن همراه با بهره می‌باشد . در
وضعیت تورمی، وامهای اجباری منفعت ویژه‌ای
را دارا هستند و برتراز وامهای اختیاری می‌باشند .
آنها سرمایه‌ها را عقیم می‌کنند در صورتیکه
وامهای عمومی اختیاری موجب اوراق قابل تبدیل به
پول نقد می‌باشند . اینگونه اسناد و اوراق در جهت
افزایش جریان درآمدها و در جامعه‌ای که تولید اثر
تورمی دارد به گردش گذارده می‌شوند . نیز نرخ
پایین تری بهره در ارتباط با وامهای اجباری می‌تواند
پرداخت شود . به این ترتیب قسمت اعظم بدهی عمومی
کاهش می‌یابد . اما تداوم سیاست قرض اجباری ممکن
است موجب لاگرفتن خشم عمومی شود .

طبیعتاً " این برنامه‌های قرضه عمومی اختیاری
است که مخصوصاً " باید مورد توجه و اعتماد قرار گیرد .

مشکلات قرضه عمومی در کشورهای کمتر توسعه یافته

بهر حال قرضه عمومی تعدادی مشکلات در اقتصاد -
های توسعه نیافته ایجاد می‌نماید که عبارتند از :
۱- در اینگونه کشورها بازارهای پول و سرمایه شکل
گرفته و سازمان یافته وجود ندارند و در جایی که اینگونه
بازارها هستند نیز سهم ناچیزی از کل بازار پول و سرمایه
را در داخل کشور تشکیل می‌دهند . همچنین ممکن است
هیچگونه ارتباطی بین بازارهای سازمان یافته
و سازمان نیافته در این کشورها وجود نداشته باشد .
بعلاوه منابع بازار سازمان یافته سرمایه برای پسر
نمودن و تامین کردن نیازهای سرمایه‌ای اقتصاد کافی
نمی‌باشد .

۲- بعضی مشکلات ویژه قرضه عمومی در کشورهای
توسعه نیافته از این جهت ایجاد می‌شود که مردم تمایل
به سرمایه‌گذاری در مستغلات دارند زیرا این امر به
آنها شخصیت اجتماعی می‌دهد و یا علاقه مندی خرید

جواهرات هستند زیرا جواهرات به آسانی پنهان می‌شوند و در صورت احتیاج به سهولت می‌توان آنها را به پول نقد تبدیل کرد.

۳- احتمالاً "حجم عمده‌ای از پس انداز در این گونه کشورها از بخش زراعی ریشه می‌گیرد اما صاحبان اینگونه پس اندازها هیچگونه تمایلی جهت سرمایه گذاری در تجارت و صنعت ندارند. پس انداز بخش زراعی نمی‌تواند بطور موثر تجهیز شود زیرا درآمد های زراعی از طریق کانالهای پولی نمی‌توانند جابجا شوند و حرکت کنند و این پاسخی است به اینکه چرا بیشتر سازمانهای مالی در محدوده‌های شهری متمرکز شده‌اند. همچنین منافع ناشی از فعالیتهای کشاورزی در ارتباط با طرحهای مالیاتی از پشتوانه قوی و مستحکم و سیاسی گونه برخوردار هستند.

۴- نرخهای بسیار بالای بهره آشکارا برضد جریان سرمایه‌ها به سمت بهبود بخشیدن کشاورزی، حسابهای پس انداز، اوراق قرضه دولتی، صنایع با مقیاس کوچک و امثال اینها هستند.

۵- و آخر اینکه نتیجه قرضه دولتی در این کشورها فقر است، زیرا قیمتها افزایش می‌یابند و در نتیجه موجب کاهش ارزش سهام و اوراق قرضه دولتی می‌شوند. بهر حال علی‌رغم این مشکلات و محدودیتها، قرضه عمومی یک ابزار قدرتمند جهت تجهیز منابع می‌باشد. و نه تنها یک ابزار مکمل لازم برای مالیات گیری است، بلکه موجب تجهیز بسیاری از اشکال مطلوب سرمایه گذاری می‌گردد.

پیشنهادهایی برای موفقیت قرضه عمومی

۱- به منظور تحریک منابع مالی از طریق قرضه عمومی طبقه بندی وامها، نرخهای بهره و دوره‌های سررسید باید در تناسب با ترجیحات انواع مختلف سرمایه گذاران تعدیل شوند.

۲- همچنین لازم است که قیمت‌های اوراق قرضه دولتی با ثبات شوند تا اعتماد عمومی نسبت به آنها جلب گردد و انتشار اوراق آتی که عرضه می‌شوند دارای زمینه‌ای تشویق شده باشد.

۳- سازمانهای مالی در جهت جذب پس اندازهای اختیاری به فعالیت بپردازند.

۴- امکانات لازم برای سپرده‌های پس انداز می‌باید گسترده، مختلف و به آسانی قابل حصول شوند.

۵- ثبات منطقی در حجم پول (سطح قیمت‌ها) باید تامین گردد. در غیر این صورت اعتماد پس اندازکنندگان دچار تزلزل می‌شود و مردم از پس انداز کردن دلسرد می‌شوند.

۶- برخی از کشورهای توسعه نیافته یکنوع نظام بخت آزمایی خیلی سودمند دارند و بر طبق این نظام، پس اندازها بانرخهای پایین بهره جذب می‌گردد. در این راستا، اوراق جایزه دار برای جذب پس اندازها به بخش عمومی منتشر می‌گردد.

۷- داشتن سیاست پولی مناسب می‌تواند عامل مهمی در موفقیت برنامه‌های قرضه دولتی در کشورهای کمتر توسعه یافته باشد. هدف سیاست پولی حفظ جریان سرمایه‌ها در حد کافی در اقتصاد بعنوان یک پیش نیاز جهت موفقیت برنامه قرضه می‌باشد. رشد جهت دار سیاست پولی هم باید بصورت منظم و هم مفید به حال توسعه صورت پذیرد.

اثرات بدهی عمومی در تولید، مصرف، توزیع و سطح درآمد و اشتغال

امروزه قرضه عمومی هم گسترده و هم جاذب است. تقریباً همه کشورهای بهره قرضه عمومی متوسل می‌شوند. عملیات مالی که ایجاد قرضه عمومی بدان بستگی دارد در تولید، توزیع، مصرف و سطح درآمد و اشتغال اثر می‌گذارد.

اثر قرضه عمومی بر تولید

از طریق وامهای عمومی که توسط دولت‌های امروزی هم در بازار سرمایه داخلی و هم در خارج آن اخذ می‌شوند نقدینه زیادی فراهم شده است که امکانات مالی جهت سازمانهای تولیدی در رشته‌های گوناگون را فراهم می‌آورد. سازمانهایی که اساس تولید اقتصاد را می‌سازند و در محدوده زمانی خاص بوجود آورنده افزایش عظیم در بازده کشور می‌باشند.

قرضه عمومی، موازنه‌های بانکی غیر فعال مردم را به سرمایه‌های فعال تبدیل می‌کند. بازپرداخت وامها همچنین پول را از هزینه به پس انداز کردن سوق

می‌دهند. به این ترتیب قرضه عمومی فرآیند شکل‌گیری سرمایه‌هایی را که امکانات تولیدی کشور را افزایش می‌دهند سازمان می‌دهد.

اثر قرضه عمومی بر مصرف

زمانی که مردم تعهد پرداخت وام‌های دولت را می‌نمایند معمولاً باید از مصرف خود بکاهند. در چنین صورتی میل به مصرف کاهش می‌یابد و محدود می‌شود. از این جهت سرمایه‌گذاری سرمایه‌های ایجاد شده توسط قرض گرفتن، سطح اشتغال را بالا می‌برد و درآمدهای مردم را افزایش می‌دهد و مصرف آنها نیز به تبع افزایش می‌یابد. قسمت عمده این فرآیند بستگی به این دارد که سرمایه‌هایی که بوسیله قرضه عمومی ایجاد شده است توسط دولت خرج گردند.

اثر قرضه عمومی بر توزیع

وام‌های عمومی پول را از اغنیا به دولت انتقال می‌دهند اما عملیات مالی ابتدائاً جهت سود دهی به فقرا شکل می‌گیرد و معنا پیدا می‌کند. یا درآمدهای فقرا از طریق افزایش سطح اشتغال مستقیماً افزایش

می‌یابد و یا اینکه سود آنها از طریق خدمات اجتماعی عظیم بطور غیر مستقیم حاصل می‌شود. در چنین حالتی ثروت ملی قبل از توزیع در جهت فقرا و بهبود فقر آنها سازماندهی می‌شود. این روند در جهت کاهش فقر می‌باشد و از طریق تامین و گسترش قرضه عمومی، وام‌های عمومی در جهت تغییر توزیع ثروت در کشور بکار گرفته می‌شوند. غنی‌کمتر غنی می‌شود و فقیر کمتر فقیر می‌گردد و به این ترتیب شکاف بین فقیر و غنی کمتر و خلیج بین آن دو باریکتر می‌شود.

اثر قرضه بر سطح درآمد و اشتغال

در دنیا جدید به منظور ایجاد سرمایه در جهت تامین مالی امور کشاورزی، صنعت، گسترش وسائل حمل و نقل و ارتباطات و برای تشکیل مور اصلی آبیاری به قرضه عمومی متوسل می‌شوند. معمولاً طرح‌های محلی توسعه جهت افزایش فرصت‌های اشتغال در محدوده روستایی شکل می‌گیرند. به این ترتیب نه تنها فعالیت‌های اقتصادی کشور بارور می‌شوند بلکه حجم اشتغال افزایش می‌یابد و سطح درآمدها بالا می‌رود.

* K.K.Dewett, Modern economic theory;

20th Re.Edition 1981; p. 578

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

